

نگاه Khaleej Times، دبی

حلقه مفقوده در روابط ایران-پاکستان

نگاه Financial Times، لندن

خبر و شر حذف یارانه‌ها

پاسخ به این سؤال که چرا ایران باید یارانه‌های بنزین را کاهش دهد، نشان‌دهنده تأثیر زیاد یارانه‌های دولتی بر میزان مصرف سوخت در این کشور است. ایران پس از آمریکا و روسیه، سومین مصرف‌کننده گاز طبیعی جهان محسوب می‌شود. بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ تقاضای گاز مصرفی ایران به طور میانگین ۹ درصد افزایش یافت و نیاز گاز این کشور را در مدت ۸ سال از ۶۲ میلیارد متر مکعب به ۱۲۲ میلیارد متر مکعب رساند، به گونه‌ای که میزان تولید ایران پاسخگوی میزان مصرف آن نبود.

ایران به طور مشترک با قطر، بزرگترین میدان گاز طبیعی جهان را در اختیار دارد، اما یکی از واردکنندگان اصلی گاز محسوب می‌شود که آن را از ترکمنستان و ترکیه وارد می‌کند.

به گفته مؤسسه IHS Global Insight ایران امسال هم نتوانسته است برای برخی مناطق پرجمعیت خود، گاز مورد نیاز را تولید کند و به پیش‌بینی این مؤسسه زمستان امسال با کمبود گاز بیشتری مواجه خواهد بود که بنابراین مجبور است حجمی بالاتر و با قیمتی بیشتر از گذشته را از ترکمنستان خریداری کند.

در حال حاضر ایرانی‌ها از سهمیه ۱۰۰ لیتر بنزین در ماه به قیمت لیتری ۱۰۰ تومان استفاده می‌کنند که به نظر می‌رسد سهمیه زیادی باشد. قیمت بنزین آزاد ۴ برابر قیمت سهمیه‌ای است. اما دولت تصمیم دارد بار دیگر این سهمیه را کاهش دهد.

طبق تحلیل مؤسسه IHS بحث کاهش سهمیه‌ها نشان‌دهنده وضعیت مالی نامناسب ایران است، چراکه ایران هنوز مجبور است حدود ۴۰ درصد نیاز بنزین خود را به قیمت‌های بالای بین‌المللی وارد کند.

البته این اقدام تا حدی هم جنبه سیاسی دارد، چراکه برخی تحلیل‌گران معتقدند ایران احتمال می‌دهد آمریکا در نهایت تحریم را بر ایران اعمال کند.

حذف یارانه‌ها از بُعد محیط زیست هم می‌تواند دارای اهمیت باشد، به خصوص که برخی شهرهای بزرگ ایران از مشکل آلودگی هوا رنج می‌برند.

به گفته یکی از اقتصاددانان برجسته آژانس بین‌المللی انرژی، حذف یارانه کلیه انرژی‌های فسیلی در سطح جهانی و در ۲۰ کشور بزرگ غیرعضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه که چین، هند، اندونزی، پاکستان، تایلند، مالزی، تایوان و ویتنام از جمله آنها هستند، تولید دی‌اکسیدکربن در سطح جهان را به میزان ۱۳ درصد تا سال ۲۰۵۰ کاهش می‌دهد.

دوستی تهران-اسلام‌آباد را عوامل غیرسیاسی و بیگانه به دشمنی بدل کرده‌اند، اما جای امیدواری زیاد است.

روابط ایران و پاکستان در حال حاضر در شرایط خوبی قرار ندارد. فشارهای ژئوپلیتیک و استراتژیک به جای این که دو کشور را به هم نزدیک‌تر کند، بیشتر ایجاد تفرقه کرده است.

معادله ژئواستراتژیکی

که در حال بروز است، نیازمند این است که اسلام‌آباد و تهران در مسایل همکاری دوجانبه ائتلاف مجددی تشکیل دهند. با وجود تنش‌ها و بدگمانی‌های اخیر، موارد زیادی در پیشینه دو کشور وجود دارد که باید مورد توجه قرار بگیرد. ایران اولین کشوری بود که پاکستان را به رسمیت شناخت و در طول جنگ پاکستان با هند از ناوگان هوایی این کشور در



خاک خود محافظت کرد. بنابراین، هر دو کشور باید عواملی را که روابط دو کشور را خدشه‌دار کرده در نظر بگیرند.

حسن برادری دو کشور که در حال حاضر به معنای واقعی دچار آسیب شده، باید باز دیگر به وضعیت عادی بازگردد. ایران نباید پاکستان را به اتحاد با آمریکا و دست داشتن در ایجاد بی‌ثباتی در استان‌های جنوب شرقی خود، متهم کند. پاکستان هم به سهم خود باید در تحکیم پیوند تجاری و بازرگانی با ایران، تصمیمی جدی بگیرد و در خروج ایران از مشکلات بین‌المللی نقش یک کاتالیزور را ایفا کند. اسلام‌آباد می‌تواند پلی برای نرم‌تر شدن روابط تهران با واشنگتن باشد؛ نقشی که در مورد پکن هم ایفا کرده بود. البته وقوع حملات تروریستی در مرزهای دو کشور و پناهندگی‌های قانونی یا غیرقانونی عوامل این ترورها به پاکستان که منجر به وقوع حوادثی تلخ در خاک ایران شد، موضوعی نیست که بتوان از کنار آن به سادگی گذشت. اما به نظر می‌رسد راه برای مذاکره همچنان باز است. ■

عوامل زیادی در

پس پرده این شرایط ناراحت‌کننده وجود دارند که مهمترین آنها ناآرامی‌هایی است که نیروهای خارجی و عوامل غیرسیاسی به وجود آورده‌اند. دخالت آمریکا و افزایش افراط‌گرایی در منطقه هم این شرایط را بدتر کرده است. حال که تهران به خاطر وخیم‌تر شدن وضع نظم و قانون در مرزهای ناآرام جنوب شرق انگشت اتهام خود را به سوی اسلام‌آباد گرفته

و همکاری‌های منطقه‌ای به صفر رسیده است. با این حال، تمایل دولت‌ها برای این که دو کشور همچنان همسایه‌هایی آرام و فعال برای هم باقی بمانند، از آینده‌ای روشن خبر می‌دهد.

حمله انتحاری به سران سپاه پاسداران ایران، شوک شدیدی به روابط دوجانبه دو کشور وارد آورده است. ایران در مقصر دانستن پاکستان برای حمایت از گروه‌های ترور که به راحتی و بدون این که مجازاتی در کار باشد به انجام عملیات در منطقه می‌پردازند، هیچ تردیدی ندارد. شاید بتوان افزایش طالبانیزم در پاکستان و اثر تکثیری آن را در مرزهای این کشور، دلیل اصلی به وجود آمدن این بی‌اعتمادی دانست.

علاوه بر این، هر دو کشور در همکاری‌های اقتصادی هم با مشکلاتی روبه‌رو بوده‌اند. پتانسیل آنها از تجارت دوجانبه و مجاورت جغرافیایی به حداکثر نرسیده است. نه تنها ایران، پاکستان و ترکیه که سه کشور عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی (ECO) هستند، جهش اقتصادی قابل ملاحظه‌ای نداشته‌اند، بلکه پروژه خط لوله گازی ۷/۵ میلیارد دلاری هند-